

پشت هر تهدیدی، فرصت‌هایی هم هست و تجاوز نظامی رژیم صهیونی، تبدیل به یک فرصت بی‌نظیر شد. این توفیق اجباری، برخی از ظرفیت‌ها و امکان‌های بالقوه ما را فعال و خودمان را نسبت به آنها آگاه و متوجه کرد. برخی از فرصت‌های این معرکه حق و باطل، به شرح زیر بود:

۱- مهم‌ترین فرصت، همدلی و انسجام ملی بی‌نظیری بود که در جامعه ایجاد شد؛ انسجام اجتماعی بی‌نظیر در کنار انسجام سیاسی، همراهی و بسیج همه‌جانبه بین ارکان حاکمیت، باید از همهٔ اجزای دولت سپاسگزار بود و در مقابل نجابت و همدلی بی‌نظیر مردم، سر تعظیم فرود آورد.

۲- خیزش روح ایرانی و غلبان هویت ملی در عرصهٔ داخلی و جهانی و حمایت همه‌جانبهٔ ایرانیان از ایران و عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی؛ حتی برای اولین‌بار، منتقدان و اپوزیسیون داخلی و خارجی از مقابله به‌مثل ایران و سیاست دفاعی کشور حمایت کردند.

۳- حمله اسرائیل و آمریکا، تابوی «وحشت جنگ» و این «فضای روانی» را که «اگر مذاکره نکنیم، جنگ می‌شود و چنین و چنان می‌شود» شکست.

۴- آسیب‌ها و تهدیدهای فضای مجازی به طور کامل عیان شد. از یک‌سوی فضای جدید ارتباطات و حوزهٔ فناوری‌های نوپدید در ایران بی‌حسابی‌وکتاب‌است و از سوی دیگر، جامعهٔ ما به لحاظ فرهنگ سیاسی می‌خواهد از تمام امکانات و ظرفیت‌های این فضا و تلفن همراه در حد اعلی استفاده کند.

به همین دلیل، تبعات امنیتی و سیاسی آن را اصلاح‌نی‌داند، یا مهم نمی‌شمرد و ما هم نتوانست‌ایم در این زمینه، آنها را آگاه و اقناع کنیم؛ اما حالا، آن را که عیان است، چه حاجت به بیان است؛ یکی از آثار سوء آن که در این شرایط، به طور ملموس برای جامعه اثبات شده، استفاده از این ابزارهای نوین با کمک هوش مصنوعی، برای پیدا کردن مکان سیزوه‌ها و هدف قرار دادن آنها بود؛ بدین‌ترتیب، آسیب‌های فضای مجازی و ارتباطی، به صورت کاملاً عملیاتی، برای جامعه قابل فهم شده است.

۵- مخدوش شدن وجههٔ شبکه‌ها و سکوهای خارجی و راستی‌آزمایی ادعاها در مورد اقدامات جاسوسی آنها؛ عموم مردم با اینکه می‌دانند اطلاعات خصوصی آنها توسط بیگانه در شبکه‌های خارجی رصد و جمع‌آوری می‌شود، نگرانی ندارند؛ ولی از رصد اطلاعاتشان در سکوهای داخلی توسط حکومت، وحشت دارند و می‌ترسند حکومت سراغ زندگی خصوصی آنها برود.

به همین خاطر به سکوهای داخلی نمی‌پیوندند. این نگرانی را باید رفع کرد؛ هرچه سکوهای داخلی ضغف‌های زیادی هم دارند که گرایش به آنها را کم کرده است.

رژیم صهیونی با آغاز جنگ علنی علیه کشور عزیزمان، چند هدف شوم را دنبال می‌کرد که یکی از مهم‌ترین آن اهداف، به‌هم ریختن فضای عمومی کشور و سوق دادن مردم به درگیری و اغتشاش گسترده در داخل کشور بود.

ولی با عنایت خداوند متعال و رهبری حضرت آقا، برخلاف آن چیزی که رژیم منحوس پیش‌بینی می‌کرد ملت بزرگ ایران در این جنگ تحمیلی، اتحاد و انسجام ملی کم‌نظیری را به نمایش گذاشت که مورد تقدیر و تیریک رهبر معظم انقلاب هم قرار گرفت که می‌توان گفت این اتحاد ملی، امر بسیار مهمی در پیروزی بر رژیم منحوس صهیونیستی بود.

حال عده‌ای از جمله بعضی مسئولان که با عملکرد ضعیف و اقتضاح خود باعث این افتراق ملی شده بودند در روزی رزی به جلودر حال کرده‌گریز از مسئله برای خود هستند و سعی دارند از این نئند، کلاه‌ی و پوششی هم برای تظهِیر خود درست کنند. افرادی روسیاه که در کشور فتنه و اغتشاش به راه انداخته بودند و شعار نه غزه نه لبنان را سر می‌دادند، شعاری که رسماً

از جنگ تحمیلی تا صلح تحمیلی ساروی نخ‌نمای دشمنان ایران

آخرین پیام تلویزیونی مقام معظم رهبری درباره وضعیت جنگ و ترسیم افق پیشرو، نکات مهمی را تبیین کردند که مورد توجه مردم و رسانه‌ها قرار گرفت.از جمله این نکات صلح تحمیلی بود. مراد از صلح تحمیلی چیست؟ آیا نمونه‌های تاریخی در این زمینه وجود دارد؟ و چرا نباید صلح تحمیلی را پذیرفت؟

مروزی بر وضعیت جنگ تحمیلی رژیم صهیونی بر جمهوری اسلامی ایران
تجاوز وحشیانه دولت جعلی صهیونی در یامداد جمعه ۲۳ خردادماه ۱۴۰۴، موجب کشتار مردم بیگناه و جمعی از فرماندهان و دانشمندان کشور ما شد و به برخی از نهادهای خدماتی مانند بیمارستان‌ها و نیز تأسیسات هسته‌ای کشور آسیب زد. این تجاوز که ماهیتی غافلگیرانه و برق آسا داشت با کمک برخی از عناصر خودفرخته داخلی انجام گرفت. تصور دشمن صهیونی و حامیان غربی او از جمله دولت استکباری آمریکا، آن بود که با انجام این حمله برق آسا، نظام جمهوری اسلامی دچار اختلال اساسی خواهد شد و مردم ایران نیز با عناصر خودفرخته علیه نظام اسلامی، همراه خواهند شد و طی یکی دو روز نخست، کار نظام جمهوری اسلامی به پایان خواهد رسید، اما برخلاف تصور دشمن صهیونی، جمهوری اسلامی ایران، به فاصله چند ساعت پس از حمله اولیه، ستاد جنگ را تشکیل داد، سلسله فرماندهی را بازسازی و حملات موشکی تلافی‌جویانه را آغاز کرد.

حملات موشکی ایران به دولت صهیونی، که در تاریخ حملات موشکی بی‌نظیر تلقی می‌شود، دشمن صهیونی و حامیان غربی آن به‌خصوص آمریکا را به تکلیف انداخت تا اقدامات متعددی از جمله تهدید و قطعیم را در دستور کار قرار دهند و ایران را مجبور به پذیرش آتش‌ش نمایند. رهبر انقلاب در میانه این مباحث و هیاهو و هیجان، در یک پیام تلویزیونی تأکید کردند ملت ایران همان گونه که در برابر جنگ تحمیلی می‌ایستد، در برابر صلح تحمیلی نیز سر فرود نخواهد آورد.

مفهوم‌شناسی صلح تحمیلی و تبیین ویژگی‌های آن

صلح تحمیلی به معنای وادارسازی دیگران به پذیرش عهدنامه یا پیمانی است که مصالح، منافع و اهداف آنان را تأمین نمی‌کند و تحت فشار سیاسی، اقتصادی و یا نظامی صورت گرفته است. از جمله ویژگی‌های صلح تحمیلی می‌توان به عدم رضایت یک یا دو طرف معاهده صلح، ناپایداری پیمان صلح، مفاد ناعادله‌انه پیمان و تأثیر فشارهای سیاسی و نظامی در پذیرش آن اشاره کرد. در واقع، پذیرش صلح تحمیلی به معنای آن است که در شرایط عادی و بدون فشار نظامی، اقتصادی یا سیاسی، طرف یا طرف‌های پیمان صلح تحمیلی، آن را نمی‌پذیرند؛ چراکه منافع و مصالح آنها را تأمین نمی‌کنند. از این رو چنین پیمانی به‌شدت، متزلزل است و ممکن است هر لحظه از سوی طرف یا طرفین ملغی اعلام شده و خود، مقدمه جنگ یا جنگ‌های دیگری شود.

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی‌های پیمانهای صلح، پایدار بودن آن است؛ به طوری که طرفین و نیز دیگر کشورها، از عدم ایجاد دشمن و عدم افزایش آن، اطمینان نسبیی حاصل کنند. پیمان صلح تحمیلی‌ای نیز ویژگی اصلی که باید هر پیمان صلحی دارا باشد، نسداد و از این رو پذیرش آن به نفع هیچکس نیست؛ چون آتش جنگ، زیر خاکستر پیمان تحمیلی صلح باقی خواهد ماند و با کوچک‌ترین عامل تحریکی، برافروخته خواهد شد.

چرایی عدم پذیرش صلح تحمیلی

عدم پذیرش صلح تحمیلی دلایق قرآنی، عقلانی و تاریخی دارد. از جمله دلایل قرآنی عدم پذیرش صلح تحمیلی، قاعده نفی‌مسئیل است که یک قاعده قرآنی است؛ چنانچه در ویژگی‌های صلح تحمیلی بیان شد، صلح تحمیلی برخلاف منافع کشور و در واقع پذیرش سلطه دیگران است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و خدا هرگز هیچ راه سلسطای یا سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.(۴)، براساس این آیه کریمه، پذیرش سلطه کافران بر مؤمنان، حرام است(۵) و اگر پذیرش صلح تحمیلی به معنا پذیرش سلطه کافران باشد، که در بسیاری از موارد، چنین است، قبول آن حرام و سرپیچی از این فرمان صریح قرآن کریم است.

از دیدگاه عقلانی، هنگامی که جنگ بر ملتی تحمیل می‌شود و امکان مبارزه و پیروزی دارد، تسلیم شدن و قبول صلحی که منافع او را تأمین نمی‌کند، به معنای پذیرش خسارت و زیان‌های بیشتر است. از سوی دیگر، چنانچه بیان شد، ویژگی صلح تحمیلی، ناپایداری آن است، معنای این سخن آن است که پذیرش صلح تحمیلی، پیامدهای جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. پذیرش صلح تحمیلی به معنای قبول این خسارت‌ها و پیامدهای ناشی از آن است که خلاف عقایدات است. همچنین پیامدهای تاریخی و نتگین صلح تحمیلی در گلستان و ترکمنچای نیز برای همگان روشن است.

به طور مشخص در جنگ تحمیلی اسرائیل علیه کشورمان، امضای هر گونه صلح تحمیلی پیش از رسیدن به پیروزی آشکار، به معنای فرصت دادن به دشمن برای تجدید قوا و تجاوز مجدد به خاک کشور است. این راهبرد دشمن صهیونی در مقابل حزب‌الله لبنان نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

صلح تحمیلی به معنای وادارسازی دیگران به پذیرش عهدنامه یا پیمانی است که مصالح، منافع و اهداف آنان را تأمین نمی‌کند و تحت فشار سیاسی، اقتصادی و یا نظامی صورت گرفته است. عدم رضایت یک یا دو طرف معاهده صلح، ناپایداری پیمان صلح، مفاد ناعادله‌انه پیمان و تأثیر فشارهای سیاسی و نظامی در پذیرش آن از جمله ویژگی‌های صلح تحمیلی است. پذیرش صلح تحمیلی برخلاف دلایل قرآنی، عقلانی و تاریخی است.



فرصت‌های جنگ تحمیلی ۱۲روزه

قطع اینترنت بین‌الملل و بستن فضای مجازی و شبکه‌های ارتباطی بیگانه، برای اولین‌بار بدون اما و اگر طبقه متوسط مدعی و روشنفکران و منتقدان انجام شد و برعکس، هزاره‌ها صدن آنها با پذیرش شرایط و حمایت گستردهٔ داخلی اتفاق افتاد.

۶- در پر تو این جنگ تجاوزگرانه، توجیه نسل جوان و طبقهٔ متوسط جدید در مورد برخی سیاست‌های جمهوری اسلامی،

خیلی راحت‌تر شده و استدلال ما در مورد علل وقوع و تداوم

جنگ ایران و عراق و نیز علت مشکلات ما با آمریکا و غرب، قابل فهم‌تر شده است.

۷- توجیه و اقناع افکار عمومی داخلی؛ به‌ویژه نسل جوان دانشجویی، در مورد فناوری هسته‌ای و واقعیت‌های صحنهٔ منازعه، در این شرایط، خیلی راحت‌تر شده است. این اقناع و توجیه در گذشته به درستی انجام نشده و جامعه ما، به‌ویژه نسل جوان طبقهٔ متوسط با این سیاست همراه نشده و ما را سیاست خود، آنها را فراموش کرده بودیم و حالا با این شرایط، باید برای این کار سرمایه‌گذاری کنیم.

توسط سرویس جاسوسی رژیم صهیونی یعنی موساد برای از بین بردن پایگاه مردمی مقاومت در ایران درست شده بود.
حال این افسار که خود از مسیبیان و حامیان تفکر ضدمقاومت بودند به بهانه انسجام ملی سعی دارند چهره سیاه

اتحاد ملی، سبب سوءاستفاده مسیبان داخلی حمله رژیم صهیونی نشود

حجت احسان ریخی

برخورد با این افراد معلوم‌الحال هستند. خطرناک‌ترین سوءاستفاده از اتحاد و انسجام ملی که دقیقاً کمک به رژیم صهیونی است، پوشاندن و سفیدسازی کارهای افرادی است که زمینه‌ساز و مسبب داخلی حملات این رژیم منحوس به ایران اسلامی شدند. این افراد قلیل ولی پرمدها نه‌تنها در انسجام ملی جایگاهی ندارند بلکه به واسطه حمایت‌های خود چه دانسته چه ندانسته

سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

۱۲- اثبات چندین‌بارهٔ حقیقت بی‌اعتدای به آمریکا جفری ساکس، کارشناس آمریکایی در مورد تجاوزگری آمریکا می‌گوید: حمله به ایران ثابت کرد دنیا، دنیای جنگ و زور است. این شیوه مذاکراتی آمریکاست که می‌گوید: ما شما را خواهیم کشت، مگر اینکه با نگاه ما موافقت کنید؛ این سبکی از فاشیسم است که مرا بسیار ناامید کرد.
بله! صلح‌جویی ما به این شیوه است که تهدید می‌کنیم و اول شماری از شما را می‌کشیم و بعد منتظر می‌شویم که آیا ما مذاکره می‌کنید، یا نه…

۱۳- بی‌اعتباری سازمان ملل، شورای امنیت، شورای حقوق بشر و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همهٔ نهاده‌ا و کنوانسیون‌ها و معاهده‌های بین‌المللی که آمریکا و غرب، برای تضمین و تأمین منافع خود و حمایت از دوستانشان ایجاد کرده و به غلط و با وقاحت، آنها را جهانی و متعلق به جامعهٔ جهانی جا می‌زنند.

۱۴- حمایت مردمی جهانی از ایران و مشروع دانستن دفاع و مقاومت ایران در سطح جهانی و افکار عمومی داخلی و جهانی؛ بعد از تجاوز اسرائیل و آمریکا، ایران و ایرانی در شبکه‌های اجتماعی خارجی پُر بازدید (وایرال) شد. ایرانیان در هر جای جهان، به ملیت‌شان افتخار کردند و… (عدو شود سب خیر، اگر خدا خواهد)

اگر بعد از ترور شهید هنین، ایران اقدام تلافی‌جویانه انجام می‌داد، شاید برخی از حوادث رخ نمی‌داد و…! اما در آن موقع، این اندازه مشروعیت و حمایت جهانی و افکار عمومی داخلی و خارجی را همراه نداشت.

۱۵- بی‌اعتباری و بی‌هویت شدن رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان، یکی از عجایب این معر که بوده و همهٔ اپوزیسیون او را تخطئه، تحقیر و مسخره کردند.

سروش در نامه‌ای خطاب به رضا پهلوی نوشت: من به‌حقیقت مسخره‌تر و مضحک‌تر و فرومایه‌تر از این شخصیت نالایق و نادان و این مجسمهٔ خیانت به وطن در عمرم ندیده‌ام. اگر کسی را بتوان «جاهل مرکب» خواند، هم اوست که نمی‌فهمد و نمی‌فهمد که نمی‌فهمد. غرق متجانب است و می‌ندارد گلاب است.

مالی‌خواهی قدرت او را چنان مست کرده که از تهی‌مغزی و یاهو‌گیوی خود، خبر ندارد و همین که مشت‌ی مشتربان مخیط، برایش کف می‌زنند و دف می‌زنند، از فرط شوق، گریبان چاک می‌کند و از خاک بر افلاک می‌پرد.

بنابراین در مجموع، این تجاوز دهنم‌شانه، به یک توفیق اجباری و نوعی فرصت برای ایران تبدیل شد و ایران در شرایط کاملاً محق و مظلوم و البته مقتدر قرار گرفت و دیگر هیچ بهانه و اقلتی در میان نبود که چرا مذاکره نکردیم، چرا اقدام عجولانه کردیم، چرا تحریک کردیم و…

دادند، افرادی که برجام خسارت محض را به کشور تحمیل کردند و با دادن اطلاعات هسته‌ای و دانشمندان ما به جاسوسان آژانس انرژی اتمی، زمینه ترورهای ده‌فئدند دانشمندان هسته‌ای و از بین بردن تأسیسات هسته‌ای را فراهم کردند.

اتحاد ملی، سبب سوءاستفاده مسیبان داخلی حمله رژیم صهیونی نشود

حجت احسان ریخی

افرادی که با عملکرد اقتضاح خود باعث اغتشاشات یبزنی سال ۹۸ شدند، افرادی که به بهانه مرگ مهسا امینی، کشور را به سمت درگیری و زد و خورد خیابانی بردند که تا جایی که امثال شهید روح‌الله عجمیان‌ها و شهید آرمان علی‌وردی‌ها به قتل صبر و با‌فجیع‌ترین شکل ممکن به شهادت رسیدند و… همه این افراد که در این موارد دخیل بودند به دشمن، گرای



جعل تاریخ و افسانه‌سازی برای اشغال فلسطین

مصطفی محسنی

بودند و سپس اسرائیل، و فقط ۸ درصد یهودی در آنجا دیده می‌شد. این ۸ درصد تنها ۲ درصد از مساحت فلسطین را در اختیار داشتند. پس از جنگ جهانی اول انگلیس با بیانیته بالقو خواستار ایجاد کشور فلسطینی شد. یهودیان از جای‌جای جهان به سوی این سرزمین مهاجرت کردند؛ و در سال ۱۳۴۸ کشور اسرائیل تأسیس شد و کم‌کم اسرائیلی‌ها توانستند ۹۷ درصد فلسطین را به اشغال خود در آورند.

ادعای یوچ صهیونیسم بر اشغال فلسطین

این گونه بود که به کمک انگلیس و آمریکا کشوری جعلی به نام اسرائیل تشکیل شد و تاکنون موردحمایت قرار آفر گرفته است. ادعای یهود از نگاه دیگری نیز باطل است که فرض که آنها ۳۰۰۰ سال پیش مالکان بلامنازع فلسطین بودند.

اما گذشت روزگار مانع قبول چنین ادعایی از سوی آنها است، زیرا در هر صورت برخی از آنها بالغ‌بر دو هزار سال و گروهی دیگر بیش از هزار سال است که مهاجرت کرده‌اند و عقلاً عرفاً و شرعاً نمی‌توانند چنین ادعایی داشته باشند.

برای مثال گروهی از ایرانیان هستند که در یمن زندگی می‌کنند و به ابنه‌الفارس مشهورند. این گروه به دستور انوشیروان برای بیرون



صفحه ۸

چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۴

۶ محرم ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۸۹۶

تناقض در عدالت جهانی وقتی مهاجم قاضی می‌شود

علی آبشانس

در شرایطی که آمریکا با بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران و اسرائیل با حملات پهبادی، هوایی و ترور دانشمندان ایرانی عملاً جبهه‌ای آشکار علیه ایران گشوده‌اند، بار دیگر جهان شاهد وارونگی حقیقت و سکوت مرگبار نهادهای بین‌المللی در برابر تجاوز آشکار به حاکمیت یک کشور مستقل است؛ تجاوزهایی که نه امروز آغاز شده‌اند، نه فردا پایان می‌پذیرند.

رسانه‌های معتبر بین‌المللی، در هفته نخست تیرماه ۱۴۰۴، تأیید کردند که آمریکا با استفاده از بمب‌افکن‌های B-۲، تأسیسات فردو و نظنز را هدف بمباران سنگین قرار داده است؛ اقدامی که بی‌هیچ پوششی به معنای نقض کامل منشور ملل متحد و آغاز یک جنگ مستقیم علیه ایران است. در واکنش به این تجاوز، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با شلیک دست کم ۱۰ موشک به سمت پایگاه آمریکایی «العدید» در قطر، پیام قاطع خود را به‌وضوح مخابره کردند.

اسرائیل؛ رژیم نامشروع و با محور دانی تجاوز
حملات اخیر رژیم صهیونیستی در ایران، ادامه‌ای بر سیاست دیرینه تجاوزگری این رژیم کودک‌کش در منطقه است. رژیم نامشروع که با وجود ده‌ها کلاهک هسته‌ای، نه عضو پیمان NPT است، نه اجازه بازرسی بین‌المللی می‌دهد، نه هیچ‌گاه از سبزی نهادهای بین‌المللی برای جنایاتش در فلسطین، لبنان، سوریه و حالا ایران بازخواست شده است.

از ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی با مشارکت آمریکا تا ترور شهید فرزاد‌ه‌ای با عملیات اسرائیل، تا حملات سایبری به تأسیسات هسته‌ای ایران، تا تحریب عمدی زیرساخت‌های صنعتی و حمله مستقیم به نقاط مختلف ایران و ترور فرماندهان و دانشمندان ایرانی، مجموعه‌ای از تجاوزهای آشکار است که هر بار با سکوت جهانی یا حتی حمایت آشکار آمریکا همراه بوده است. در روزهای اخیر، اسرائیل با حمله‌های F-۳۵ و پهپادهای انتحاری، حملاتی را به مراکز نظامی و تحقیقاتی ایران و حتی منازل مسکونی و شهروندان بی‌گناه ایرانی انجام داد که با وجود قدرت رسانه‌ای تل‌آویو، به‌وضوح با پاسخ فزاینده‌ی و موشکی ایران روبرو شد.

پاسخ به اوج فاعط، حساب‌شده و شروع
در پاسخ به جنایات و تجاوز و تعدی آشکار رژیم صهیونیستی به خاک ایران و ترور فرماندهان نظامی و تجهیز عوامل خودفرخته موساد در داخل کشور و حمایت آمریکا با حمله به تأسیسات هسته‌ای فردو و نظنز، حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکا در قطر، که رسانه‌ها از آن به‌عنوان «عملیات بشارت فتح» یاد کردند، به انجام رسید. این حمله نشان داد که جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها ظرفیت بازدارندگی را به مر حله‌ای بالاتر رسانده، بلکه در صورت عبور دشمن از خطوط قرمز، پاسخی سریع، دقیق و حساب‌شده خواهد داد.

درحالی‌که تحلیلگران غربی انتظار واکنشی محدود داشتند، ایران با بهره‌گیری از موشک‌های زمین‌به‌زمین دوربرد، پایگاه نظامی اصلی آمریکا در منطقه را به‌طور مستقیم هدف قرار داده؛ اقدامی که از یک‌سوی مشروعیت بین‌المللی در دفاع مشروع را با خود داشت، و از سوی دیگر پیام روشنی برای واشنگتن و تل‌آویو بود: دوران یکنجانبه‌گرایی به پایان رسیده است.

وقتی سازمان ملل یوبی از عدالت نبرده است
سکوت شورای امنیت در قبال حمله مستقیم آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک ایران، بی‌اعتباری کامل این نهاد را دوباره آشکار کرد. این در حالی‌است که برای دفاع ساده یک ملت مانند فلسطین یا یمن، قطعنامه‌های تنبیهی صادر می‌شود، حمله سنگر‌شکن آمریکا با بمب‌افکن‌های رادارگریز نه‌تنها محکوم نشد، بلکه حتی به جلسه‌ای اضطراری هم ختم نگردید!

در واقع، ساختار فعلی شورای امنیت، با وجود حق وتوی پنج قدرت جهانی، به نهادی تبدیل شده است که نه مدافع صلح، که ابزار توجیه‌گر سلطه است. نتیجه این وضعیت، تداوم تجاوزهای بی‌پاسخ، ترورها، بمباران‌ها و فاعطه‌هایی همچون آنچه در غزه، جنوب لبنان، سوریه و اکنون ایران می‌گذرد، خواهد بود.

خیانت‌های ثبت‌شده در تاریخ
آمریکا و رژیم صهیونیستی، سابقه‌ای طولانی در بی‌بیت‌سازی منطقه دارند؛ از کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت مصدق گرفته تا حمایت از صدام در جنگ تحمیلی، تا تجهیز و پشتیبانی گروه‌های تروریستی در مرزهای شرقی ایران و دخالت مستقیم در جنگ‌های منطقه‌ای و تجهیز داعشیان تروریست در عراق و سوریه. در تمام این مقاطع، آن‌چه مشترک بوده، نه‌تنها نقض آمریکا و اسرائیل در آغاز بحران‌ها، بلکه فرخواندن جهان به «خوشتنداری» از سوی قربانیان این تجاوزها بوده است!

افکار عمومی جهان در حال تغییر است
اگرچه رسانه‌های غربی همچنان تلاش دارند روایت را به نفع اسرائیل و آمریکا تحریف کنند، اما حقیقت این است که افکار عمومی جهانی به‌سرعت در حال تغییر است. میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا جنایات اسرائیل در غزه، جنایات تروریستی آمریکا در عراق و افغانستان و اکنون بمباران تأسیسات ایران را محکوم کرده‌اند. جنبش‌های دانشجویی در اروپا و آمریکا کمپین‌های ضد صهیونیستی، تحریم کالاهای اسرائیلی و درخواست برای خروج از ناتو، تنها گوشه‌ای از تحولی است که در دل ملت‌ها شکل گرفته و شاید قدرت تغییر آینده را داشته باشد.

ایران تنها نیست

ایران امروز، تنها کشوری است که با شجاعت در برابر تجاوز مستقیم آمریکا و اسرائیل ایستاده است. کشوری که پشتوانه‌ای عظیم و سخت از همراهی مردمی با ایمان، وطن‌پرست و جهادی دارد. هرچند هزینه‌های زیادی پرداخته شده، اما دستاورد این مقاومت، حفظ استقلال، عزت ملی و بیدارسازی جهانیان بوده است. نباید فراموش کرد؛ حمله به فردو، ترور دانشمندان و فرماندهان ارشد نظامی ایران، به خاک و خون کشیدن زن و بچه و مردم بی‌گناه در خانه‌های مسکونی ایران و لبنان و غزه، جنگ‌افروزی در منطقه، و تحریب زیرساخت‌ها، اینها نه از قدرت دشمن، بلکه از ترس دشمن نسبت به اقتدار ایران سرچشمه می‌گیرد.